



## جستاری بر نقاط افتراق سبک رهبری ولایی و سبک رهبری کارزما بانگرشی بر شخصیت رفتاری امام خمینی (ره)

سعید قربانی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از مهم‌ترین محورهای قابل بحث در نظام بین‌الملل، نوع و سبک رهبری است؛ سبک رهبری نشئت گرفته از نوع جهان‌بینی و ایدئولوژی است. اگر ایدئولوژی دارای رویکرد مادی باشد نگاه به جهان و ایدئولوژی حاصل از آن مادی خواهد بود؛ در نتیجه خروجی حاصل از این فرآیند، نگاه مادی‌گرایانه خواهد بود. ولی اگر نگاه به جهان هستی و ایدئولوژی حاصل از آن دارای روندی دین‌محورانه باشد، خروجی حاصل از این فرآیند سبک رهبری الهی و معنوی خواهد بود. در این مقاله هدف نویسنده بر این است که با توجه به این نگرش، سبک رهبری در نظام ولایی و کاریزماتیک را با استناد بر منابع موجود مورد بررسی قرار دهد تا به ماهیت سبک رهبری ولایی و کاریزماتیک با روش مقایسه‌ای دست یابد. سؤال پژوهشی این است که سبک رهبری ولایی از لحاظ عملکرد و ماهیت چه تفاوتی با سبک رهبری کارزما دارد؟ یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد سبک رهبری ولایی در عملکرد و ماهیت خود با سبک رهبری کارزما متفاوت است.

۱. دانشجوی دکترای مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی ایران گرایش اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی

## مقدمه

سبک رهبری در جوامع مختلف در نظام بین الملل متفاوت است؛ هر کشوری با توجه به مبانی‌ای که در اختیار دارد و آن مبانی شکل دهنده سبک رهبری آن جامعه است دست به رهبری و مدیریت جامعه می‌زند. در سبک رهبری لیبرالیسم که نگاه به هستی، جهان و انسان با رویکرد مادی‌گرایی است، سبک رهبری نیز با توجه به این قانون‌پیزی شده است و کسی که در رأس امور قرار دارد جامعه را با نگاه صرفاً مادی‌گرایی مدیریت و سازمان‌دهی می‌کند. در سبک رهبری کمونیستی که خدا را قبول ندارد و دین را فیهون توده‌ها می‌داند، نگاه به جهان صرفاً مادی‌گرایانه است و دین نه تنها در فرآیند زندگی و مدیریت جمعی نقشی ندارد بلکه در فرآیند زندگی فردی نیز بی‌اثر است و به نوعی دین از زندگی فردی و اجتماعی طرد شده است و نسبت به دین بیگانگی وجود دارد. در نتیجه سبک رهبری حاصل در این جوامع نیز با توجه به این مبانی شکل گرفته است. به عبارتی چون نگاه به فرآیندهای مختلف در جوامع کمونیستی مادی‌گرایی و جبر‌گرایی است، پس سبک رهبری نیز متناسب با این نگاه مادی‌گرایی است که شکل گرفته است. در سبک رهبری ولایی نگاه به هستی و نظام آفرینش و انسان، نگاهی الهی است؛ یعنی هر فرآیندی که در نظام هستی اتفاق می‌افتد در ذیل اراده خداوند است و انسان نیز مخلوق خداست؛ در نتیجه ایدئولوژی حاصل شده نیز، ایدئولوژی الهی محور است و خروجی این سمت و سو نیز که سبک رهبری است بر اساس روند الهی محور خواهد بود و رهبری حاصل از این فرآیند نیز الهی محور است. یکی دیگر از سبک‌های رهبری در جوامع که توسط وبر مطرح شده است، سبک رهبری کاریزماتیک است. فردی با ویژگی‌های فوق انسانی که دارد در رأس قدرت قرار می‌گیرد و این فرد ممکن است پیامبر، نظامی یا امثالهم باشد. در پژوهش حاضر تلاش نویسنده بر این است که با استفاده از روش مقایسه‌ای، سبک رهبری کاریزماتیک و سبک رهبری ولایی را مورد بررسی قرار دهد تا نشان دهد که تفاوت‌ها و شباهت‌های بین این دو سبک رهبری چیست و دوم در جامعه ما در بین عده‌قلیلی از متفکران، نگاه به رهبران انقلاب اسلامی و حتی در بعضی مواقع نگاه به امامان معصوم (ع) با نگاه کاریزماتیک همگام شده است و یکی از اهداف اصلی پژوهش حاضر این است که نگاه کاریزماتیک نسبت به بزرگان دین را رد کند.

## ۱. مفاهیم و روش پژوهشی

برای تسهیل روند پژوهش، نیاز بر این است که مفاهیم پژوهشی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و روش به کار گرفته شده نیز در معرض توصیف و تحلیل قرار بگیرد.

### ۱.۱.۱ مفاهیم

مفاهیمی که در پژوهش حاضر برای روشن شدن مطلب نیاز به بررسی دارند عبارت‌اند از:

#### ۱.۱.۱.۱ سبک

سبک آمیزه‌ای از فکر، شکل یا معنا و صورت است که شخصیت انسان را نمایان می‌سازد.<sup>۱</sup>

#### ۱.۱.۱.۲ ایدئولوژی

ایدئولوژی جنبه بسیار حساس و قاطع سیاست است و از فهم واقعیت، تطابق تصور با واقعیت و از ارزش گذاری بر واقعیت برآمده، به مثابه نوعی نقشه برای گزینش روش و تفسیر سیاست عمل می‌کند. ایدئولوژی در بر گیرنده کمال مطلوب‌ها، هدف‌ها و مقاصدی است که جامعه باید آنها را پی‌گیری کند. ایدئولوژی بر پایه تفسیر گذشته، حال را توضیح می‌دهد و تصویری از آینده عرضه می‌دارد و هدف‌ها و حدود قدرت سیاسی را مشخص می‌کند.<sup>۲</sup>

#### ۱.۱.۱.۳ کاریزماتیک

این نوع مشروعیت بر تسلیم غیر معمول مردم در برابر شخصیت مقدس و فضیلت قهرمانی یا ارزش‌های استثنایی یک شخص و فرامین او استوار است. وبر می‌گوید: مقصود ما از کاریزم، ویژگی فوق‌العاده شخصیتی است که به گونه‌ای خارق‌العاده در چهره پیامبران، حکما، داوران یا رؤسای اقوام شکارچی و قهرمانان جنگی آشکار می‌شود و به آنها حالتی فوق‌طبیعی و فوق‌بشری می‌بخشد. اشخاص معمولی و فناپذیر را چنین مقامی هرگز حاصل نمی‌شود که مثل فرستاده خدا یا یک پیشوا مورد قبول مردم واقع شوند.<sup>۳</sup> در مشروعیت کاریزماتیک، توجیه اقتدار بر مبنای خصوصیات استثنایی رهبر، اعتقاد به لطف و عطیه خارق‌العاده وی و جاذبه‌ها و کشش‌های شخصیتی رهبر که بر روحیه جمعی یک ملت اثر کرده، بر آنها مسلط می‌شود و به شکل پذیرش دسته‌جمعی

۱. عباس شفیعی، سبک رهبری امام خمینی قدس سره، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷، ص ۷.

۲. عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست، تهران، نی، ۱۳۸۶، ص ۸۵-۸۴.

۳. احمد نقیب‌زاده، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، سمت، ۱۳۷۹، ص ۱۵۷.



افراد نمود پیدا می کند، صورت می گیرد.<sup>۱</sup>

۱، ۱، ۴. سبک رهبری

مراد از سبک رهبری عبارت است از چگونگی رفتار رهبر در زمانی که سعی در تأثیرگذاری بر عملکرد فرد دیگری دارد.<sup>۲</sup>

۱، ۱، ۵. ولایت

ولایت از ماده «ولی» گرفته شده است و معنای اصلی آن، قرار گرفتن چیزی در کنار چیزی دیگر است، به گونه‌ای که فاصله‌ای در کار نباشد؛ اما به معنای دوست، یاری، امارت و تصدی امر، تسلط و معانی دیگری که نشان‌گر نوعی مباشرت و اتصال است، نیز به کار می‌رود. این لفظ، هم درباره امور مادی و جسمانی به کار می‌رود و هم درباره امور معنوی و مجرد.<sup>۳</sup>

۱، ۱، ۶. سبک رهبری ولایی

سبک رهبری ولایی، نوعی سبک رهبری است که هدفش در طول هدف انبیا و اوصیای الهی بوده و سیر روندش برای رسیدن به اهداف توحیدی شکل یافته است.<sup>۴</sup>

۱، ۱، ۷. مشروعیت

مشروعیت به معنی قانونی بودن یا طبق قانون بودن است.<sup>۵</sup> مشروعیت به حقانیت اشاره دارد و عبارت است از توجیه عقلانی اعمال حاکمیت از سوی حاکم. به عبارت دیگر، مشروعیت، یک ویژگی در نظام حکومتی است که حاکم به مدد آن، حکمرانی خویش را صحیح می‌داند و مردم تبعیت از حکومت را وظیفه خود می‌شمارند.<sup>۶</sup>

۱، ۱، ۸. دین

مجموعه به هم پیوسته‌ای از باورها و اندیشه‌های برگرفته از وحی الهی در رابطه با جهان، انسان، جامعه و جهان پس از مرگ است که هدف آن، هدایت انسان به سوی روش بهتر زیستن و کامل تر شدن است.<sup>۷</sup>

۱. مریم بیژنی و دیگران، «جایگاه مشروعیت قانونی در گفتمان سیاسی رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۶-۱۳۵۷)»، *علوم اجتماعی*، ش ۴۶، ۱۳۸۸؛ ص ۱۰۹.

۲. عباس شفیعی، همان، ص ۹.

۳. محمدجواد نوروزی، *فلسفه سیاسی اسلام*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱، ص ۱۲۵.

۴. عباس شفیعی، همان، ص ۱۲.

۵. عبدالرحمن عالم، همان، ص ۱۰۵.

۶. محمدجواد نوروزی، همان، ص ۸۳.

۷. عباسعلی عمید زنجانی، *مبانی اندیشه سیاسی اسلام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۷۴.

## ۲.۱. روش پژوهشی

در بررسی رویکرد مقایسه‌ای سبک رهبری ولایی و کاریزما در رابطه با نحوه رهبری لازم است که در مرحله اول بر خود رهیافت مقایسه‌ای تأملی صورت گیرد تا در ادامه به قالب‌ریزی این موضوع بر اساس رهیافت مقایسه‌ای اقدام گردد. یکی از اهداف پژوهش‌های علمی و مطالعات نظری در روابط بین‌الملل، آزمون نظریه‌های رقیب و متعارض است؛ اما به علت فقدان اجماع روش‌شناختی، روشی واحد برای دستیابی به این هدف مهم وجود ندارد. یکی از روش‌ها برای سنجش نظریه‌ها، مطالعه مقایسه‌ای است.<sup>۱</sup> در رهیافت مقایسه‌ای هدف بر این است که تفاوت‌های بین دو موضوع یا مسئله مشخص شود. به عبارتی اساسی‌ترین کار در مقایسه بررسی وجه افتراق موضوعات یا مسائل مختلف است. در پژوهش حاضر هدف نویسنده بر این است که با توجه به رهیافت مقایسه‌ای به بررسی سبک رهبری ولایی و کاریزما بپردازد و در انتهای پژوهش نشان دهد که آیا بکارگیری مفهوم کاریزما در مورد امام، قابلیت دارد یا نه؟

## ۲. انواع قدرت سیاسی

### ۱.۲. قدرت فردی شده

قدرت به وسیله یک شخص اعمال می‌شود که خود وجوه مختلفی دارد.

### ۲.۲. قدرت نهادینه

قدرت نهادینه قدرتی است که میزان، حدود و نحوه اعمال آن بر اساس قواعد و ضوابطی تعیین شده است که به نحوی مورد قبول مردم یک سرزمین است. به طبع این قدرت بیش از آن که متعلق به شخص یا اشخاص خاصی باشد در نهادهایی نظیر دولت یا سازمان‌های دولتی تبلور می‌یابد و اشخاص هم به اعتبار تصدی این سازمان‌ها یا تجسم این نهادها از قدرت برخوردارند.

### ۳.۲. قدرت شخصی شده

شخصی شدن قدرت آفتی است که ممکن است در جوامعی که دارای قدرت نهادینه بوده‌اند ظهور کند. ظهور قدرت‌های کاریزماتیک مثل هیتلر در آلمان یا نوع بهتر آن دوگل در فرانسه یا رواج کیش شخصیت مانند آنچه استالین در مورد خود صورت داد، در جاتی از قدرت شخصی شده را به نمایش می‌گذارد.<sup>۲</sup>

۱. سید جلال دهقانی فیروزآبادی، رهیافت مقایسه‌ای بول: روشی برای سنجش نظریات روابط بین‌الملل، علوم سیاسی، ش ۳، ۱۳۸۵، ص ۶۶.  
۲. احمد نقیب‌زاده، همان، ص ۱۳۳.



در قسمت مقایسه دو رویکرد سبک رهبری ولایی و سبک رهبری کاریزما، یکی از محورهایی که مورد مقایسه قرار خواهد گرفت، نوع قدرت سیاسی است. به عبارتی ویژگی‌هایی که برای سبک رهبری ولایی و کاریزما گفته خواهد شد نشان داده خواهد شد که دو سبک در کدام طیف قابلیت بررسی دارند.

### ۳. انواع مشروعیت

#### ۱.۳. مشروعیت عقلانی

این نوع مشروعیت با اعتبار قوانین، صلاحیت کارکردی افراد و نهادها پدید می‌آید و مبتنی بر کنش عقلانی معطوف به هدف و خالی از هر گونه عنصر اقتدار شخصی یا سنتی است. مشروعیت قانونی یا عقلانی، مبتنی بر قانون بودن مقررات موجود و حق اعمال سیادت کسانی است که بر اساس این مقررات به قدرت رسیده‌اند. حکم و اطاعت، نه بر سنت‌های قدیمی یا ویژگی‌های خاص شخص، بلکه بر هنجارهای قانونی و تفکیک وظایف استوار است.<sup>۱</sup> مشروعیت قانونی بر پایه مفاهیم معتبر زیر استوار است:

۱. از نظر عقلی امکان این که هر قانونی از طریق پیمان یا اعطا برقرار گردد وجود دارد. این قانون ممکن است در جهت عقلانیت معطوف به هدف یا عقلانیت معطوف به ارزش یا هر دو قرار داشته باشد.

۲. هر قانونی در ماهیت خود مجموعه‌ای از قواعد انتزاعی است که با هدف قبلی تدوین شده است.

۳. در نتیجه دارندگان قدرت قانونی تابع نظم غیر شخصی هستند.

۴. به این ترتیب کسی که اطاعت می‌کند مثل این است که به عنوان عضوی از جمع از قانونی که جوهر نظر جمع محسوب می‌شود اطاعت می‌کند.

۵. به همین ترتیب کسانی که اطاعت می‌کنند مطابق با موضوع بند ۳، از شخص صاحب قدرت اطاعت نمی‌کنند بلکه از قواعد غیر شخصی اطاعت می‌کنند.<sup>۲</sup>

نوع خالص سلطه قانونی، بر راه کارهای اداری و دیوانی استوار است. مجموعه رهبری اداری، از کارمندان منفردی تشکیل شده که از نظر شخصی آزاد هستند و فقط از تکالیف عینی شغل خود پیروی می‌کنند. آنها در درون یک سلسله مراتب متصلب، از صلاحیت

۱. مریم بیژنی و دیگران، همان، ص ۱۰۹.

۲. احمد نقیب‌زاده، همان، ص ۱۵۷.

کامل شغلی برخوردارند و گزینش آنها به صورت آزاد انجام داده می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۲،۳. مشروعیت سنتی

این مشروعیت بر باور مستمر به درستی سنن همیشه معتبر و حقانیت کسانی استوار است که به شیوه سنتی به اعمال قدرت می‌پردازند. سلطه‌ای سنتی است که مشروعیت آن بر ویژگی مقدس قدرت رئیسی استوار باشد که قدرت از ازل به او به ارث رسیده است. دارنده قدرت در اینجا بر پایه قانونی و قاعده‌ای تعیین می‌شود که از پیشینیان به ارث رسیده است و مردم هم به دلیل باور به تقدس شخصیت او از او اطاعت می‌کنند. سلطه در اینجا بر پایه احترام استوار است و آموزش اجتماعی نقش مهمی در تداوم آن ایفا می‌کند.

### ۳،۳. مشروعیت کاریزماتیک

این نوع مشروعیت بر تسلیم غیر معمول مردم در برابر شخصیت مقدس و فضیلت قهرمانی یا ارزش‌های استثنایی یک شخص و فرمان‌های او استوار است. وبر می‌گوید: مقصود ما از کاریزم، ویژگی فوق العاده شخصیتی است که به گونه‌ای خارق العاده در چهره پیامبران، حکما، داوران یا رؤسای اقوام شکارچی و قهرمانان جنگی آشکار می‌شود و به آنها حالتی فوق طبیعی و فوق بشری می‌بخشد. اشخاص معمولی و فناپذیر را چنین مقامی هرگز حاصل نمی‌شود که مثل فرستاده خدا یا یک پیشوا مورد قبول مردم واقع شوند.<sup>۲</sup>

انواع مشروعیت نیز در مقاله زیر مورد بررسی قرار گرفته است تا در فرآیند مقایسه دو سبک رهبری کاریزما و ولایی نشان داده شود که دو طیف در فرآیند مشروعیت شبیه هستند یا دارای اختلاف اساسی می‌باشند.

### ۴. سبک رهبری کاریزماتیک

ماکس وبر را می‌توان نخستین کسی دانست که مفهوم کاریزما را به گونه‌ای خاص وارد جامعه‌شناسی و شناخت پدیده‌های اجتماعی و حرکت‌های اجتماعی کرد. او با بیانی نوین از این مفهوم، تلاش کرد تا ارتباط میان فرد کاریزما و پیروان او را در جامعه به نحوی تبیین کند.<sup>۳</sup> کاریزما در لغت یعنی فرهمند یا فرهمندی به عبارتی جاذبه استثنایی. کاریزما کلمه‌ای یونانی به معنای موهبت است. وحی، حکم، تعلیم، کشیش،

۱. بهرام اخوان کاظمی، نقد و ارزیابی نظریه کاریزمایی در تبیین رهبری امام خمینی (ره)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۳۶.

۲. احمد نقیب‌زاده، همان، ص ۱۵۷.

۳. رضا کلهر، «درآمدی بر نظریه نهضت‌های بسیجی بر مبنای پیام کاریزماتیک»، مطالعات بسیج، ش ۵۲، ۱۳۹۰، ص ۱۶.



عقل و شفا دادن از موهبت‌های پر جاذبه هستند که در کتاب مقدس بسیجیان توصیف شده‌اند. کاریزما در اصطلاح به خصوصیت شخصی گفته می‌شود که خود او معتقد است، یا دیگران در مورد او بر این باورند که دارای قدرت رهبری فوق‌العاده است.<sup>۱</sup> اقتدار کاریزمایی به شدت شخصی و منبعث از قدرت‌های خارق‌العاده تلقی می‌شود؛ ممکن است مذهبی یا غیر مذهبی باشد؛ رابطه‌ای عاطفی میان پیرو و رهبر است؛ متضمن رسالتی است که شاید احیای عقیده یا عرضه آرمانی نو باشد؛ در زمان بحران اجتماعی، احتمال ظهور آن افزایش می‌یابد و بیشتر تغییرات اجتماعی و فکری را موجب می‌شود. وبر درباره شرایط پیدایش کاریزما به تفصیل و روشنی سخن نمی‌گوید و فقط به این نکته کفایت می‌کند که این نوع رهبری در دوره‌های فشار و اضطراب روحی، طبیعی، اقتصادی، اخلاقی، مذهبی و سیاسی ظهور می‌کند. به عبارت دیگر، منشأ جنبش‌های کاریزمایی پیدایش خلأ معنایی است که در نتیجه عدم کفایت سنت‌ها و نظام فکری مستقر برای تبیین تحولات نو ایجاد می‌شود.<sup>۲</sup>

پیروان، رهبران کاریزماتیک را بر اساس کنش‌های متقابل می‌شناسند و به آنها هویت می‌دهند. به کاریزما باید به عنوان صفت و ویژگی ساخته‌شده توسط پیروان، نگاه کرد.<sup>۳</sup> پیروان در اقتدار کاریزما، در شخصیت رهبر کمالاتی می‌یابند که سعادت و فلاح حقیقی خود را در جلب رضایت وی می‌جویند، اما این سعادت لزوماً با جلب سود یا دفع ضرر در حیات مادی و این جهانی تعبیر نمی‌شود و چه بسا که پیروان، همه سختی‌ها را نیز به جان پذیرا باشند یا بر سر پیمان خود با رهبر و برای اجرای فرمان‌های وی، به سهولت از جان خویش نیز مایه بگذارند.<sup>۴</sup>

#### ۱.۴. ویژگی‌های سبک رهبری کاریزما

قدرت کاریزماتیک آشکارا در برابر سلطه عقلایی یا سنتی قرار می‌گیرد؛ زیرا نه عقل مبنای چنین سلطه‌ای است و نه سنت، بلکه احساسات و سنت‌شکنی لازمه چنین قدرتی است. وبر در مورد قدرت کاریزماتیک به موارد زیر اشاره می‌کند:

۱. علی رضائیان و دیگران، «ارایه الگوی شکل‌گیری رهبری کاریزماتیک در سازمان از دیدگاه مدیریت برنامه‌ریزی راهبردی»، مدیریت دولتی، ش ۳، ۱۳۸۸، ص ۳۹.
۲. محمد علی بصیری و دیگران، «الگوی مدیریت بحران در سیره امام خمینی (ره)»، علوم سیاسی، ش ۱، ۱۳۹۲، ص ۱۲۲.
۳. محمد اخگری، «نگاهی به مفهوم کاریزما: وقتی که کاریزماتیک روح مقدس می‌شود»، مدیریت ارتباطات، ش ۱۵، ۱۳۹۰، ص ۵۴.
۴. بهجت یزدخواستی و مهدی عزتی، «تحلیل تطبیقی نظریه اقتدار کاریزماتیک وبر با نقش رهبری امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی ایران، مطالعات/انقلاب/اسلامی/ایران، ش ۳۸، ۱۳۹۳، ص ۱۴۴.



#### ۱،۱،۴. ویژگی‌های خارق‌العاده

برای خصوصیت ویژه شخصیت یک فرد که به خاطر این ویژگی، از افراد عادی، جدا انگاشته می‌شود، و به عنوان کسی که صاحب توانایی‌ها یا خصوصیات فوق‌طبیعی، فوق‌انسانی یا حداقل استثنایی باشد، به کار می‌رود. این ویژگی‌ها بدان گونه هستند که برای افراد عادی قابل دسترس نیستند، بلکه منشأ آنها الهی یا منحصر به فرد تلقی می‌شود و بر این اساس، فرد مورد نظر، رهبر تلقی می‌گردد.<sup>۱</sup>

#### ۲،۱،۴. ارادت محوری

پذیرش آزادانه و همراه با احترام و اشتیاق سلطه و ارادت نسبت به قهرمان و اعتماد به شخصیت رئیس ضرورت دارد. هر گونه بی‌احترامی یا بی‌اعتنایی نه با مجازات شخص کاریزما که با واکنش یکپارچه مردم روبه‌رو می‌شود.

#### ۳،۱،۴. صرف هیجان و عدم تمایل به کادرسازی و تربیت نیرو

گروهی که در بالا و در اطراف رئیس قرار می‌گیرند جماعتی هیجانی هستند که به هیچ روی قصد تربیت یک کادر اداری متخصص را ندارند؛ بلکه انتخاب آنها در ارتباط مستقیم با ویژگی‌های کاریزمایی رئیس صورت می‌گیرد. برای این گروه نه تجربه شغلی مطرح است و نه پیشرفت و نه عزل، بلکه به اشاره رئیس کاریزماتیک بر سر کار می‌آیند و به اشاره او هم می‌روند.

#### ۴،۱،۴. بیگانگی با اقتصاد

قدرت کاریزماتیک با اقتصاد بیگانه است. او نسبت به مسائل اقتصادی بی‌اعتنا و به دیده تحقیر می‌نگرد و بر عکس به فضایل اخلاقی، شجاعت و شهامت، ایثار و از خودگذشتگی بها می‌دهد.

#### ۵،۱،۴. درون‌گرایی

کاریزما قدرت انقلابی و بزرگ‌اعصاری است که با سنت پیوند دارد. قدرت کاریزما متوجه درون است تا افکار و پدیده‌های جدیدی به وجود آورد. برخلاف عقلایی که در پی دگرگونی اوضاع زندگی است و به سوی خارج جهت‌گیری شده است.<sup>۲</sup>

#### ۶،۱،۴. شخصیت کاریزما عامل ماندگاری

اگر شخص صاحب کاریزما برای مدتی طولانی بدون نشانه یا خصیصه کاریزمایی بماند، تصور کند که خداوند یا قدرت‌های سحرآمیز و قهرمانی او را رها کرده‌اند؛ اگر

۱. حسین حسینی، رهبری و انقلاب: نقش امام خمینی در انقلاب اسلامی ایران، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، معاونت پژوهشی، ۱۳۸۱، ص ۲۶.

۲. احمد نقیب‌زاده، همان، ص ۱۵۸.



او برای مدت طولانی ناموفق باشد به ویژه، اگر رهبری، نفعی به حال پیروان نداشته باشد، بسیار محتمل است که وی سیادت کاریزمایی خود را از دست بدهد.<sup>۱</sup> اقتدار رهبر فرهمند و تداوم آن تنها در گرو این است که او توانایی خود را در عرصه مورد ادعایش به اثبات برساند. اگر او مدعی پیامبری است، باید معجزه داشته باشد و اگر می‌خواهد سردار جنگی باشد باید دست به کارهای قهرمانانه بزند. اما قبل از هر چیز، رسالت الهی او باید در نظر کسانی به اثبات برسد که صادقانه خود را تسلیم او می‌کنند. او باید از عهده تحقق این رسالت برآید.<sup>۲</sup>

۴، ۱، ۷. عدم ثبات

قدرت کاریزماتیک ممکن است به یکی از دو نوع سلطه مشروع دیگر تغییر وضعیت دهد. در فرآیند عادی سازی شرایط، قدرت کاریزماتیک به نوعی از انواع سلطه معمولی به ویژه پاتریمونیال یا بوروکراتیک ختم می‌شود.<sup>۳</sup>

۴، ۱، ۸. توجه به رویکرد درونی

سلطه فرهمندانه ناب با هر نوع قانون و مقررات مجرد بیگانه است و با روش‌های رسمی داوری و حکمیت کمترین آشنایی ندارد. قانون عینی سلطه فرهمندانه از تجربه بسیار شخصی قهرمان، که موهبتی است آسمانی، و نیز از قدرت الهی گونه او نشئت می‌گیرد. سلطه فرهمندانه یعنی نفی همه پیوندها با نظم بیرونی و گرامیداشت نگرش اصیل پیامبر یا قهرمان. بنابراین نگرش فرهمندانه عمیقاً انقلابی است و همه چیز را نفی می‌کند و همه هنجارهای سنتی یا عقلانی را زیر پا می‌گذارد: «چنین نوشته‌اند، اما من به تو چنین می‌گویم.»<sup>۴</sup>

۴، ۱، ۹. رویکردی متفاوت نسبت به مشروعیت عقلانی

سبک رهبری عقلانی نخست نهادها و ترتیبات اجتماعی را دگرگون می‌کند و سپس در نگرش‌های فردی تغییر ایجاد می‌کند. در حالی که سبک رهبری کاریزمایی نخست زندگی روحی فرد را دچار دگرگونی می‌سازد و سپس در نهادهای اجتماعی تحول ایجاد می‌کند.<sup>۵</sup>

۴، ۱، ۱۰. قدرت شخصی شده

شخصی شدن قدرت آفتی است که ممکن است در جوامعی که دارای قدرت نهادینه

۱. بهرام اخوان کاظمی، همان، ص ۴۳.

۲. ماکس وبر، دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران، هرمس، ۱۳۸۴، ص ۲۸۲.

۳. احمد نقیب‌زاده، همان، ص ۱۵۹.

۴. ماکس وبر، همان، ص ۲۸۳.

۵. حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نی، ۱۳۸۷، ص ۶۰.

بوده‌اند ظهور کند. ظهور قدرت‌های کاریزماتیک مثل هیتلر در آلمان یا نوع بهتر آن دوگل در فرانسه یا رواج کیش شخصیت مانند آنچه استالین در مورد خود صورت داد، در جاتی از قدرت شخصی شده را به نمایش می‌گذارد.<sup>۱</sup>

۱،۱،۴. آمیزش با منافع مادی گروه

از نظر جامعه‌شناسی سیاسی، جنبش کاریزمایی در صورتی تداوم می‌یابد که با علایق مادی برخی گروه‌های اجتماعی یا گروه‌های حامل درآمیزد.<sup>۲</sup>

۱،۱،۴. بحران جانشینی

نظام‌های مبتنی بر سنت و قانون از ثبات نسبی برخوردارند؛ نظام‌های کاریزماتیک قائم به شخص رهبر کاریزماتیک‌اند و با مرگ وی، عمر نظام کاریزماتیک خاتمه می‌یابد و با بحران جانشینی جدی‌تری روبه‌رو می‌شود.<sup>۳</sup>

۱،۱،۴. کیش شخصیت داشتن

داشتن کیش شخصیت، تقریباً در میان بسیاری از رهبران بزرگ دنیا و از جمله رهبران کاریزمایی، امری کاملاً معمولی به شمار می‌آید. خودمحموری و خودستایی و ریاست‌طلبی بخش عمده‌ای از این رهبران به حدی بوده است که روانشناسان اجتماعی آنها را به داشتن عقده‌های حقارت در ایام کودکی و تلاش در بزرگسالی برای جبران آنها، در مسیر اعمال رهبری بر دیگران، متهم کرده‌اند.<sup>۴</sup>

## ۲،۴. شاخص‌های رهبری کاریزماتیک از دیدگاه وبر

۱،۲،۴. جدا از افراد معمولی، دارای قدرت‌ها و کیفیت‌های مافوق طبیعی و انسانی

۲،۲،۴. دارای منشأ الهی

۲،۲،۴. پیروی توده مردم از کاریزما مولود شور و شرایط اضطراری و محصول شور، امید یا ناامیدی در برهه‌ای خاص از زمان

۴،۲،۴. روابط در اقتدار کاریزمایی بر حسب احساس، عاطفه و شدیداً شخصی

۵،۲،۴. جرئت، شجاعت، ابتکار کاریزما و قدرت بیدار کردن ایمان و کسب اطاعت

۶،۲،۴. اطاعت پیروان از کاریزما بدون کنکاش فکری و کورکورانه

۷،۲،۴. رهایی کاریزما از قوانین سنتی و عقلانی<sup>۵</sup>

۱. احمد نقیب‌زاده، همان، ص ۱۳۳.

۲. حسین بشیریه، همان، ص ۶۳.

۳. ابراهیم بزرگر، تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران، تهران، سمت، ۱۳۸۶، ص ۵۷.

۴. بهرام اخوان کاظمی، همان، ص ۲۴۳.

۵. بهجت یزدخواستی و مهدی عزتی، همان، ص ۱۵۴.



۴، ۲، ۸. رهبران کاریزماتیک، توانایی زیادی در برقراری ارتباط دارند؛ بیان عاطفی آنها باعث می‌شود تا ارتباط موفق داشته باشند و اعتماد زیادی را القا کنند.<sup>۱</sup>

## ۵. سبک رهبری ولایی

سبک رهبری ولایی یکی از سبک‌های رهبری در نظام بین‌الملل است که دارای جهان‌بینی الهی است و ایدئولوژی شکل گرفته در قبال این سبک رهبری نیز نشئت گرفته از جهان‌بینی الهی است. در سبک رهبری ولایی، نظام آفرینش تحت حکومت الهی قرار دارد و با اراده الهی مدیریت می‌شود و رابطه بین انسان و خدا، رابطه خالق و مخلوق است. انسان خودش را در ذیل اراده الهی می‌بیند، در نتیجه نوع نگاه به حکومت و سبک رهبری نیز رنگ و لعاب الهی به خودش می‌گیرد. به عبارتی برخلاف نظام غربی که نگاه اومانستی و مادی‌گرایی دارند و برای خداوند در مدیریت نظام آفرینش اراده‌ای قائل نیستند، سبک رهبری ولایی، وجود خودش را در ذیل مدیریت الهی تصور می‌کند.

با توجه به مبانی فکری و تئوریک که درباره سبک رهبری ولایی مطرح شد ویژگی‌هایی را در این راستا می‌توان برای این مدل یا سبک رهبری در نظر گرفت.

### ۱.۵. ویژگی‌های سبک رهبری ولایی با تأکید بر سبک رهبری امام خمینی (ره)

هر نوع سبک رهبری در نظام آفرینش دارای مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است که برای پی بردن به مبانی و اصول آن سبک رهبری باید به شاخص‌ها و مؤلفه‌های آنها توجه گردد. سبک رهبری ولایی نیز که نشئت گرفته از ارزش‌ها و مبانی اسلامی است دارای شاخص‌هایی است. البته در پژوهش حاضر، هدف نویسنده بر این است که سبک رهبری ولایی را با تأملی بر مبانی نظری و رفتاری امام خمینی (ره) به عنوان نمادی از سبک رهبری ولایی مورد بررسی قرار دهد که عبارت‌اند از:

#### ۱.۱.۵. مقبولیت عمومی

یکی از وجوه تمایز رهبری امام خمینی (ره)، وجه مقبولیت عمومی، همه‌گیری و جاذبه عام رهبری ایشان برای همه قشرها و گروه‌ها در نهضت اسلامی بود که در مدت کوتاهی به بخش‌هایی از امت اسلامی و حتی ملل ستمدیده نیز تسری یافت.<sup>۲</sup>

۱. مرتضی‌مرادی و دیگران، «نقش هوش هیجانی و هوش معنوی در رهبری حضرت امام خمینی (ره): آیا رهبری حضرت امام (ره) مبدأ الهی داشت؟»، علوم/انسانی، دانشگاه امام حسین (ع)، ش ۸۱، ۱۳۸۹، ص ۹.  
۲. بهرام اخوان کاظمی، همان، ص ۲۰۴.

۲، ۱، ۵. اعتماد به نفس

لازمه خودشناسی و خودآگاهی، اعتماد به نفس است. امام خمینی با توجه به معرفت نفس، خودسازی و بالنده کردن خصلت‌های متعالی در خویش، رابطه خود را با خدای خود اصلاح کردند و بهبود بخشیدند؛ صفاتی مانند ساده‌زیستی، تقوا، تواضع، مبارزه با تبعیض، قانون‌مداری، شرح صدر، اطاعت از فرمان الهی، کنترل نفس و مخالفت با آن، پرهیز از غرور و خودپسندی، پرهیز از دیکتاتوری و... باعث شده بود که به عنوان رهبر اسلامی در جامعه اسلامی مطرح شوند و به عنوان الگو و سرمشق برای دیگر مدیران باشند.<sup>۱</sup>

۳، ۱، ۵. شخصیتی خودساخته و مهذب

یکی از واقعیت‌های بارز درباره شخصیت امام خمینی (ره) و شیوه رهبری ایشان، آن است که تأثیرگذاری گسترده این شخصیت و الگوی رهبری مزبور در انقلاب اسلامی، ناشی از آن بوده که وی مصداق انسان کامل و شخصیتی خودساخته و مهذب بود که تنها در دامن فرهنگ اسلامی شیعی امکان پرورش و بروز آن وجود داشته است.<sup>۲</sup>

۴، ۱، ۵. امام خمینی و اقتدار اسلامی

رابطه امام با مردم «اقتدار سیاسی اسلام» را به دنبال آورد و ما شاهد احیا و دفاع از ارزش‌های دینی و مذهبی توسط مردم و به رهبری امام خمینی (ره) در برابر سیاست‌های غرب‌گرایانه رژیم پهلوی هستیم. در این الگو، تعهد طرفین، یعنی هم امام و هم مردم، به اسلام است نه چیز دیگر، حتی به طور خاص، نظریه ولایت فقیه نیز ابداع شخص امام خمینی (ره) نبود که بتواند توجیه‌گر رفتارهای رهبر و برانگیزاننده مردم باشد. نفوذ قدسی امام در بین توده‌ها معلول نفوذ قدسی فرهنگ اسلامی - شیعی در میان مردم بود، نه شخص امام؛ به این سبب هر فرد دیگری هم که در موقعیت و منزلت اجتماعی وی قرار گیرد، به چنین نفوذ و اقتداری دست می‌یابد و این نفوذ و اقتدار منحصر در شخص خاصی نیست.<sup>۳</sup>

۵، ۱، ۵. آرامش و اطمینان

حضرت امام خمینی (ره) با توجه به اعتقاداتی که داشتند به خودشناسی عمیقی رسیده بودند. دل آرام و مطمئن ایشان، پیامد ایمان محکم و اعتقاد راسخ به دریای بیکران الطاف الهی بود. طمأنینه‌ای که حوادث ناگوار و کمرشکن، قادر به متزلزل کردن

۱. مرتضی مرادی و دیگران، همان، ص ۱۸.

۲. بهرام اخوان کاظمی، همان، ص ۱۸۳.

۳. بهجت یزدخواستی و مهدی عزتی، همان، ص ۱۵۲.



و در هم شکستن آن نبود.<sup>۱</sup>

۵، ۱، ۶. بحث نفوذ در قلب‌ها و همانندسازی

مطابق نظریه وبر، نفوذ رهبر بر توده‌های مردم، نتیجه همانندسازی او با برخی از اسطوره‌های فرهنگی و تجسم ارزش‌های آنها در شخصیت، رفتار و پیام وی است. در نتیجه این همانندسازی، مردم ارزش‌ها و عواطفی را که نسبت به اسطوره‌ها دارند، به رهبر معاصر انتقال می‌دهند و به وجود یک سلسله خصلت‌های خارق‌العاده در او ایمان پیدا می‌کنند.<sup>۲</sup>

۵، ۱، ۷. خلوص سیاسی و معنویت و عدم قدرت‌طلبی

بیشتر نفوذ حضرت امام خمینی (ره) و آنچه ایشان را از دیگر رهبران جهان متمایز می‌کرد و حتی برای کسانی که با مشی ایشان موافق نبودند، موجب احترام و تحسین می‌شد، خلوص سیاسی و معنویت خاص ایشان و عدم شائبه‌های قدرت‌طلبانه در ایشان بود که توانسته بود از ایشان رهبری استثنایی بسازد.<sup>۳</sup>

۵، ۱، ۸. رضایت خدا

امام (ره) در همه حال کاری که انجام می‌دادند برای رضای خدا و بندگان خدا بود و این باعث می‌شد که هیچ‌وقت خدا را از یاد نبرند.<sup>۴</sup>

۵، ۱، ۹. ساده‌زیستی

عشق و علاقه مردم به امام ناشی از برخی خصوصیات فردی ایشان همچون ساده‌زیستی نیز بود.<sup>۵</sup>

۵، ۱، ۱۰. عاطفه و احساسات امام خمینی

یکی از ویژگی‌های حضرت امام خمینی (ره)، ذوق و قریحه شعر و شاعری ایشان بود. طبعاً شاعر باید اندیشه، عاطفه و خیال را با وسیله‌ای به ذهن شنونده انتقال دهد. امام خمینی (ره) بر اساس شهود درونی و قلبی خود به بهترین وجه احساسات خود را به دیگران منتقل می‌کردند و این میسر نمی‌شود مگر این که ابتدا درون خویش را اصلاح کرده باشند.<sup>۶</sup>

۱. مرتضی مرادی و دیگران، همان، ص ۱۷.

۲. بهرام اخوان کاظمی، همان، ص ۹۱.

۳. مرتضی مرادی و دیگران، همان، ص ۱۰.

۴. همان، ص ۱۸.

۵. بهجت یزدخواستی و مهدی عزتی، همان، ص ۱۵۳.

۶. مرتضی مرادی و دیگران، همان، ص ۱۸.

۱۱،۱،۵. عدم دنیاگرایی امام

امام انسان متکاملی بود که روح الهی خویش را به حقیقت وارسته بود. با آنکه از بهترین استعداد و زمینه مناسب امکانات برای رسیدن به انواع مظاهر دنیا برخوردار بود، هیچ‌گاه به دنبال دنیا نرفت و از آن گریزان و روی گردان بود.<sup>۱</sup>

۱۲،۱،۵. مقابله شدید با مریدپروری و پیروان‌سازی

امام به دنبال مریدپروری نبود، کمتر کسی را می‌توان در طول تاریخ یافت که در مقام هدایت نهضتی بزرگ، این چنین از مریدپروری و از توجه جامعه به خود گریزان بوده باشد. مهم‌ترین نمونه اجتناب از مریدپروری امام را می‌توان در برخوردشان با موضوع مرجعیت پس از وفات آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله حکیم مشاهده کرد. ابتدا برای هیچ‌یک از آنها مجلس فاتحه برگزار نکرد تا مبادا این تصور در مردم به وجود آید که او می‌خواهد به عنوان صاحب‌عزرا ابراز وجود کند.<sup>۲</sup>

۱۳،۱،۵. صرف شخصیت نه بلکه دین

مشروعیت رهبری امام خمینی (ره)، نه فقط به دلیل داشتن صفاتی صرفاً شخصی، بلکه به سبب قرار گرفتن در جایگاهی دینی بود که مردم مسلمان شیعه گوش به فرامین ایشان سپرده بودند و اطاعت از وی را بر خود فرض و واجب می‌دانستند.<sup>۳</sup>

۱۴،۱،۵. عدم محصوریت امام در قوم و نژاد و حزب خاص

امام خمینی (ره) رهبر و مصلحی متمایز از تمام رهبران بود که اندیشه متعالی و عمل وی دارای بعد جهانی و فراتر از حصارها و زوایای تنگ نژادی، ایدئولوژیک، حزبی، منطقه‌ای، طبقاتی و صنفی و غیره بود.<sup>۴</sup>

۱۵،۱،۵. عدم خواست امام به قدرت

امام خمینی (ره) خواست معطوف به قدرت نداشت و همیشه اراده خود در رهبری سیاسی را معطوف به انجام تکلیف شرعی و خدمت به مردم می‌دانست.<sup>۵</sup>

۱۶،۱،۵. منبع مشروعیت الهی نه کاریزما

مشروعیت رهبران شیعی مبتنی بر حکم شرع و عقل است و منشأ آن ضوابط و قوانین الهی است و در درجه دوم، خواست و اراده مردم است. منبع مشروعیت حکومت اسلامی

۱. بهرام اخوان کاظمی، همان، ص ۱۸۵.

۲. همان، ص ۲۵۰.

۳. بهجت یزدخواستی و مهدی عزتی، همان، ص ۱۵۱.

۴. بهرام اخوان کاظمی، همان، ص ۲۱۸.

۵. محمدعلی بصیری و دیگران، همان، ص ۱۲۱.



از منظر امام خمینی (ره) نیز نه شخصی است و نه کاریزماتیک، بلکه فقط امری الهی است.<sup>۱</sup>

### ۱۷، ۱، ۵. جایگاه دینی

در مکتب شیعه تأثیر سخن و حرکت یک فقیه و مرجع تقلید در میان توده‌های مردم بسیار شگرف و عمیق است. نمونه‌هایی از این رابطه، در جریان تنباکو، میان مردم و میرزای شیرازی دیده می‌شود. در جریان تنباکو و امتیاز رژی حتی میرزای شیرازی حکم تحریم تنباکو را به خود نسبت نمی‌دهد، بلکه استعمال آن را در حکم محاربه با امام زمان (عج) اعلام می‌کند. در این قضیه به طور مشخص هیچ کس برای میرزای شیرازی شخصیتی کاریزماتیک قائل نشده است، بلکه این جایگاه مرجعیت و ولایت او بود که چنان مشروعیتی به وی داد که با اعلام آن حکم، آن حرکت عظیم اجتماعی را ناشی گردید.<sup>۲</sup>

۱۸، ۱، ۵. نداشتن کیش شخصیت و داشتن زهد و نفی خودمحوری و ریاست‌طلبی در بینش عرفانی امام، یکی از موانع اصلی فهم درست و حجاب‌های دریافت حقیقت، دنیادوستی، خودبینی و خودخواهی است. امام از جمله رهبران بی‌همتای دنیا بودند که در نقطه اوج کمال شخصیت بودند. ایشان با فروتنی از ادبیاتی متواضعانه برای اشاره به خود استفاده می‌کنند. چنان که در ابتدای وصیت‌نامه خویش از خود با عنوان «طلبه حقیر» یاد می‌کنند. یا در مکاتبات با فرزندش، عمر خود را بر باد رفته و نود سال در بطالت به شمار می‌آورد.<sup>۳</sup>

### ۱۹، ۱، ۵. تابع قانون

در سبک رهبری ولایی قانونی اساسی وجود دارد که وظایف رهبری در آن قید شده است و رهبری اختیاراتی که دارد در آن اشاره شده است.

### ۲۰، ۱، ۵. توجه به اقتصاد

در سبک رهبری ولایی توجه به اقتصاد و مبانی اقتصاد مورد توجه است و سبک رهبری ولایی با امر اقتصاد بیگانه نیست.

### ۲۱، ۱، ۵. مشروعیت عقلانی

مشروعیت در سبک رهبری ولایی از نوع مشروعیت قانونی عقلانی است؛ چون قانونی تعریف شده و مسئولیت‌ها بر اساس قانون اساسی است که اعمال می‌شود.

۱. بهرام اخوان کاظمی، همان، ص ۲۳۶.

۲. بهجت یزدخواستی و مهدی عزتی، همان، ص ۱۵۱.

۳. بهرام اخوان کاظمی، همان، ص ۲۴۳.



۲۲، ۱، ۵. قدرت نهادینه

قدرت نهادینه قدرتی است که میزان، حدود و نحوه اعمال آن بر اساس قواعد و ضوابطی تعیین شده است که به نحوی مورد قبول مردم یک سرزمین است. در سبک رهبری ولایی نیز میزان و حدود اعمال قدرت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قید شده است و اگر اختیارات ولی فقیه نیز مطلق است باز این اختیارات در محدوده قانون اسلام است.<sup>۱</sup>

۲۳، ۱، ۵. همدلی

یک مهارت اجتماعی کلیدی، همدلی است. همدلی یعنی درک احساسات دیگران و توجه به دیدگاه آنان و تفاوت‌های احساس افراد نسبت به چیزها. حضرت امام خمینی (ره) با توانمندی فراوان در چگونگی ایجاد ارتباط برای آگاهی دادن به پیروان و یاران انقلاب در فضای سانسور، نشان داد از ذکاوت و شناخت احساسات و عواطف پیروان خود کاملاً آگاه است و در بدترین موقعیت‌ها به بهترین نحو ممکن با مردم ارتباط برقرار می‌کردند و علاقه خود را به مردم نشان می‌دادند.<sup>۲</sup>

۲۴، ۱، ۵. تقوا و قداست معنوی

ویژگی‌هایی چون تقوا، قداست معنوی، طهارت روح، عالم بودن، نخبگی و به خصوص نیابت از امام زمان (عج)، موجب شده است تا مردم عادی با نگاه موجودات برتر به آنها بنگرند، آنان را مقدس و صاحب کرامت دانسته و ویژگی‌های رفتاری خاصی مانند تبرک جستن، دست‌بوسی، صلوات فرستادن در هنگام روبه‌رو شدن با آنها از خود نشان دهند. امام نیز در میان مردم دارای چنین جایگاهی بود.<sup>۳</sup>

## ۶. تفاوت‌های سبک رهبری ولایی و کاریزماتیک

سبک رهبری ولایی متفاوت از سبک رهبری کاریزماتیک است. در ذیل به مواردی از این نقاط اختلاف سبک رهبری ولایی و کاریزماتیک اشاره می‌شود که به شرح زیر می‌باشند:

۱، ۶. رهبری امام خمینی در ایران و جهان اسلام، موجد تحولات عظیمی شد که اثرات آن تاکنون باقی است. بدیهی است که این تأثیرگذاری به هیچ‌وجه با اتکا به نظریه سلطه کاریزمایی قابل تبیین نیست. زیرا جامعه‌شناسان سیاسی در عصر پیچیده دولت‌های

۱. احمد نقیب‌زاده، همان، ص ۱۳۳.

۲. مرتضی مرادی و دیگران، همان، ص ۲۲.

۳. آیت‌قنبری، «منابع قدرت روحانیت شیعه در ایران»، علوم سیاسی، ش ۲۰، ۱۳۸۱، ص ۲۷۷.



جدید امروز، دیگر چندان نقشی برای کاریزمائزما قائل نیستند. اگر کشور و جامعه‌ای بخواهد توسط کارگزاران خویش و با زور و سرکوب بر اساس خرافه‌هایی مانند کاریزماداره و رهبری شود، دیر یا زود در روند جهانی مستحیل خواهد شد و باید به شیوه‌های اداره عقلانی حکومت و فن‌سالاران خردمند تن دهد.<sup>۱</sup>

۲،۶. در آرای وبر و تفسیرهای وبری، ویژگی‌هایی کاریزماتیک به عنوان یکی از منابع مشروعیت‌ساز اعمال اقتدار و سلطه معرفی شده و این اعتقاد مطرح شده است که وجود این ویژگی‌های شخصی، اعمال قدرت از سوی شخصیت‌ها و رهبران کاریزماتیک را بر جامعه مشروعیت می‌بخشد و اطاعت مردم، وابسته به این خصوصیات کاریزماتیک و تأثیر آنهاست. در حالی که مشروعیت رهبران شیعی مبتنی بر حکم شرع و عقل است و منشأ آن ضوابط و قوانین الهی است و در درجه دوم، خواست و اراده مردم است. منبع مشروعیت حکومت اسلامی از منظر امام خمینی (ره) نیز نه شخصی است و نه کاریزماتیک، بلکه فقط امری الهی است.<sup>۲</sup>

۳،۶. داشتن کیش شخصیت، تقریباً در میان بسیاری از رهبران بزرگ دنیا و از جمله رهبران کاریزمایی، امری کاملاً معمولی به شمار می‌آید. خودمحوری و خودستایی و ریاست‌طلبی بخش عمده‌ای از این رهبران به حدی بوده است که روان‌شناسان اجتماعی آنها را به داشتن عقده‌های حقارت در ایام کودکی و تلاش در بزرگسالی برای جبران آنها، در مسیر اعمال رهبری بر دیگران، متهم کرده‌اند. در حالی که در بینش عرفانی امام، یکی از موانع اصلی فهم درست و حجاب‌های دریافت حقیقت، دنیادوستی، خودبینی و خودخواهی است. امام از جمله رهبران بی‌همتای دنیا بودند که در نقطه اوج کمال شخصیت بودند. ایشان با فروتنی از ادبیاتی متواضعانه برای اشاره به خود استفاده می‌کنند؛ چنان که در ابتدای وصیت‌نامه خویش از خود با عنوان «طلبه حقیر» یاد می‌کنند. و یا در مکاتبات با فرزندش، عمر خود را بر باد رفته و نود سال در بطالت به شمار می‌آورد.<sup>۳</sup>

۴،۶. در سبک رهبری ولایی، منبع مشروعیت الهی است و فرد بر اساس پیوندی که با مبانی الهی دارد در میان مردم مشروعیت دارد در حالی که در سبک رهبری کاریزماتیک فرد به دلیل دارا بودن ویژگی‌ها و خصوصیات فوق‌العاده دارای مشروعیت کاریزماتیک است.

۱. بهرام اخوان کاظمی، همان، ص ۱۷۷.

۲. همان، ص ۲۳۶.

۳. همان، ص ۲۴۳.

۵,۶. سبک رهبری ولایی بر اساس قانون بوده و محورهای آن بر اساس قانون اساسی است که تبیین می‌شود در حالی که در کاریزما قانون، خود فرد است و آن چیزی معتبر است که فرد کاریزما مطرح کند.

۶,۶. سبک رهبری ولایی عقلانی است و بر اساس مبانی عقلانی است که سازمان‌دهی شده است در حالی که سبک رهبری کاریزما با عقلانیت بیگانه است و رویکرد غیر عقلانی دارد و صرفاً بازتاب بیانات و اندیشه‌های فرد کاریزماست.

۷,۶. برخلاف قدرت انقلابی و عقلایی که در پی دگرگونی اوضاع زندگی است و به سوی خارج جهت‌گیری شده است، کاریزما متوجه درون است تا افکار و پدیده‌های جدیدی به وجود آورد.<sup>۱</sup>

۸,۶. تفکر و عمل بسیاری از رهبران دنیا و به ویژه، رهبران به اصطلاح کاریزمایی محصور در زوایای تنگ نژادی، صنفی و حزبی، طبقاتی و ایدئولوژیک بوده است و به طور معمول به هیچ‌وجه مصالح خارج از این محدوده‌ها را لحاظ نمی‌کردند. اما امام خمینی (ره) رهبر و مصلحی متمایز از تمام رهبران بود که اندیشه متعالی و عمل وی دارای بعد جهانی و فراتر از حصارها و زوایای تنگ نژادی، ایدئولوژیک، حزبی، منطقه‌ای، طبقاتی و صنفی و غیره بود.<sup>۲</sup>

۹,۶. در ادبیات جامعه‌شناسانه وبر و مفسرین دیدگاه‌های او، یکی از ویژگی‌های مهم رهبران کاریزمایی، مریدپروری و پیروان‌سازی است؛ این رهبران در رأس حلقه‌های هرمی از مریدان و پیروان مجذوب خویش قرار می‌گیرند که بر حسب میزان ارادت‌مندی ایشان به رهبر، جایگاهشان در نزدیکی یا دوری به وی در این هرم فرق می‌کند. رهبران مزبور و به ویژه، نوع فاشیستی و توتالیترا آنها به شدت پرورش مریدان چشم و گوش بسته را دامن می‌زنند؛ انقیاد و تبعیت محض و بلاشرط آنها را خواستارند. امام به دنبال مریدپروری نبود، کمتر کسی را می‌توان در طول تاریخ یافت که در مقام هدایت نهضتی بزرگ، این چنین از مریدپروری و از توجه جامعه به خود گریزان بوده باشد. مهم‌ترین نمونه‌ی اجتناب از مریدپروری امام را می‌توان در برخوردشان با موضوع مرجعیت پس از وفات آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله حکیم مشاهده کرد. ابتدا برای هیچ‌یک از آنها مجلس فاتحه برگزار نکرد تا مبادا این تصور در مردم به وجود آید که او می‌خواهد به عنوان صاحب‌عزای ابراز وجود کند.<sup>۳</sup>

۱. احمد نقیب‌زاده، همان، ص ۱۵۸.

۲. بهرام‌آخوان کاظمی، همان، ص ۲۱۸.

۳. همان، ص ۲۵۰.



۱۰،۶. در کنش کاریزماتیک، مردم وقتی به هیجان آمده و احساسات آنها به کسی که در حد زیادی از آنها متفاوت است معطوف شود، به طور طبیعی، مردم نسبت به او مطیع شده و سلطه او را پذیرا می‌شوند. به عبارت دیگر، منبع تولید این قدرت، فردی است. در نتیجه بنابر تئوری وبر، این رابطه عاطفی فردی از بستر فرهنگی و زمینه‌های عقلی آن جدا می‌شود. این در حالی است رابطه امام با مردم «اقتدار سیاسی اسلام» را به دنبال می‌آورد و ما شاهد احیا و دفاع از ارزش‌های دینی و مذهبی توسط مردم و به رهبری امام خمینی (ره) در برابر سیاست‌های غرب گرایانه رژیم پهلوی هستیم. در این الگو، تعهد طرفین، یعنی هم امام و هم مردم، به اسلام است نه چیز دیگر، حتی به طور خاص، نظریه ولایت فقیه نیز ابداع شخص امام خمینی (ره) نبود که بتواند توجیه‌گر رفتارهای رهبر و برانگیزاننده مردم باشد. نفوذ قدسی امام در بین توده‌ها معلول نفوذ قدسی فرهنگ اسلامی - شیعی در میان مردم بود، نه شخص امام؛ به این سبب هر فرد دیگری هم که در موقعیت و منزلت اجتماعی وی قرار گیرد، به چنین نفوذ و اقتداری دست می‌یابد و این نفوذ و اقتدار منحصر در شخص خاصی نیست.<sup>۱</sup>

۱۱،۶. یکی از واقعیت‌های بارز درباره شخصیت امام خمینی (ره) و شیوه رهبری ایشان، آن است که تأثیرگذاری گسترده این شخصیت و الگوی رهبری مزبور در انقلاب اسلامی، به خاطر موهوماتی مانند ویژگی‌های کاریزماتیک که بدون جامعیت و مانعیت و قابل انطباق با بسیاری از جنایتکاران تاریخ همانند هیتلر و موسولینی و... است، نیست؛ بلکه به اعتراف بسیاری از صاحب‌نظران، ناشی از آن بوده که وی مصداق انسان کامل و شخصیتی خودساخته و مهذب بود که تنها در دامن فرهنگ اسلامی شیعی امکان پرورش و بروز آن وجود داشته است.<sup>۲</sup>

۱۲،۶. یکی از وجوه تمایز رهبری امام خمینی (ره)، وجه مقبولیت عمومی، همه‌گیری و جاذبه عام رهبری ایشان برای همه قشرها و گروه‌ها در نهضت اسلامی بود که در مدت کوتاهی به بخش‌هایی از امت اسلامی و حتی ملل ستم‌دیده نیز تسری یافت. این در حالی است که بسیاری از رهبران به اصطلاح انقلابی و کاریزمایی، با انواع شیوه‌های سرکوب و تهدید با خلق‌ها و ملت‌های خود مواجه شدند و مقبولیتشان را با انواع شیوه‌های تهدید و تطمیع و تبلیغات عوام‌فریبانه به دست آوردند.<sup>۳</sup>

۱۳،۶. سبک رهبری ولایی دارای قدرتی نهادینه است. قدرت نهادینه قدرتی است که

۱. بهجت یزدخواستی و مهدی عزتی، همان، ص ۱۵۲.

۲. بهرام اخوان کاظمی، همان، ص ۱۸۳.

۳. همان، ص ۲۰۴.

میزان، حدود و نحوه اعمال آن بر اساس قواعد و ضوابطی تعیین شده است که به نحوی مورد قبول مردم یک سرزمین است. در سبک رهبری ولایی نیز میزان و حدود اعمال قدرت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قید شده است و اگر اختیارات ولی فقیه نیز مطلق است باز این اختیارات در محدوده قانون اسلام است.<sup>۱</sup> در حالی که سبک رهبری کاریزماتیک از لحاظ قدرت سیاسی، از نوع قدرت شخصی شده است که قدرت نشئت گرفته از مبانی اندیشه‌ای فرد کاریزماست.

۱۴،۶. قدرت کاریزماتیک با اقتصاد بیگانه است. او نسبت به مسائل اقتصادی بی‌اعتنا است و به آن به دیده تحقیر می‌نگرد و بر عکس به فضائل اخلاقی، شجاعت و شهامت، ایثار و از خود گذشتگی بها می‌دهد.<sup>۲</sup> در حالی که در سبک رهبری ولایی، نگاه به اقتصاد نگاه بیگانه‌محورانه نیست و اقتصاد یکی از ارکان مورد توجه در سبک رهبری ولایی است.

۱۵،۶. از نظر جامعه‌شناسی سیاسی، جنبش کاریزمایی در صورتی تداوم می‌یابد که با علایق مادی برخی گروه‌های اجتماعی یا گروه‌های حامل درآمیزد.<sup>۳</sup> در حالی که امام خمینی (ره) رهبر و مصلحی متمایز از تمام رهبران بود که اندیشه متعالی و عمل وی دارای بعد جهانی و فراتر از حصارها و زوایای تنگ نژادی، ایدئولوژیک، حزبی، منطقه‌ای، طبقاتی و صنفی و غیره بود.<sup>۴</sup>

۱۶،۶. امام خمینی (ره) خواست معطوف به قدرت نداشت و همیشه اراده خود در رهبری سیاسی را معطوف به انجام تکلیف شرعی و خدمت به مردم می‌دانست.<sup>۵</sup> در حالی که سبک رهبری کاریزما با مریدپروری به دنبال قدرت و قدرت‌طلبی است و قانون در نظام کاریزما یعنی خود شخص کاریزماست.

۱۷،۶. بیشتر نفوذ حضرت امام خمینی (ره) و آنچه ایشان را از دیگر رهبران جهان متمایز می‌کرد و حتی برای کسانی که با مشی ایشان موافق نبودند، موجب احترام و تحسین می‌شد، خلوص سیاسی و معنویت خاص ایشان و عدم شائبه‌های قدرت‌طلبانه در ایشان بود که توانسته بود از ایشان رهبری استثنایی بسازد.<sup>۶</sup> در حالی که شخص کاریزما به دنبال مریدپروری است و اخلاص سیاسی و معنویت برای شخص کاریزما

۱. احمد نقیب‌زاده، همان، ص ۱۳۳.

۲. همان، ص ۱۵۸.

۳. حسین بشیریه، همان، ص ۶۳.

۴. بهرام اخوان کاظمی، همان، ص ۲۱۸.

۵. محمدعلی بصیری و دیگران، همان، ص ۱۲۱.

۶. مرتضی مرادی و دیگران، همان، ص ۱۰.



محلی از اعراب ندارد.

## ۷. امام خمینی (ره) کاریز ما بود یا نه؟

یکی از رهبران برجسته در تاریخ جهان، حضرت امام خمینی (ره) بودند که انقلاب بزرگی را در تاریخ رقم زدند. ایشان با توکل بر خدا و اعتماد به مردم توانستند به سیطره حکومت شاهنشاهی پایان دهند. شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، همچون پدیده‌ای شگرف و در نوع خود جدید، موجب نقد نظریات در مورد رهبری و جلب توجه نظریه‌پردازان انقلاب به آن شد. نقش مؤثر رهبری انقلاب و مشروعیت فراگیرش در تمام دوران انقلاب و بعد از آن، بسیاری از صاحب‌نظران را بر آن داشت تا رهبری انقلاب را بر مبنای نظریه‌های مختلف مورد بررسی قرار دهند.<sup>۱</sup>

در مورد رهبری کاریزماتیک امام (ره) دیدگاه‌های موافق و مخالف زیادی وجود دارد. این اختلاف‌نظرها بیشتر به ارتباط دادن رهبری ایشان به مسائل اسلامی برمی‌گردد؛ به عبارت دیگر مخالفان با طرح ویژگی‌های خاص رهبری امام خمینی (ره) و پیوند آنها با گرایش‌های دینی و غیر شخصی، رهبری ایشان را بر نظریه کاریزمایی وبر (که بیشترین تأکیدش بر ویژگی‌های شخصی رهبر است) منطبق نمی‌دانند و شاخص‌های دیگری را برای تحلیل این پیوند در نظر می‌گیرند.<sup>۲</sup> گروهی نیز به برخی صفات و ویژگی‌هایی که در کاریزما مطرح است و در امام خمینی (ره) نیز وجود داشته توجه کرده‌اند، به خصوص در بحث ویژگی‌های فردی که برای کاریزما مطرح شده است.

با توجه به مبانی، اصول و ویژگی‌هایی که برای سبک رهبری ولایی و کاریزما مطرح شد، به نظر می‌رسد که بکارگیری عبارت کاریزما برای بررسی امام خمینی (ره) ایده درست و منطقی نباشد؛ چون دو سبک رهبری ولایی و کاریزما دارای مبانی و اصول خاص خودشان هستند؛ در نتیجه بکارگیری کاریزما برای امام (ره) که دارای سبک رهبری ولایی است با توجه به تفاوت‌هایی که در بالا مطرح شد از لحاظ منطقی و عقلانی جای تأمل دارد، ممکن است بین کاریزما و سبک رهبری ولایی که امام در روند آن قرار دارد، شباهت‌هایی در بعضی موارد جزئی باشد ولی این که امام را کلاً در منطق کاریزماتیک قرار دهیم و بررسی کنیم کاری عقلانی نیست.

۱. همان، ص ۹.

۲. همان.

## ۱،۷. شاخص‌های رهبری امام خمینی

۱،۱،۷. زندگی ساده و ساده‌زیستی امام که ایشان را به مردم نزدیک کرد.  
۲،۱،۷. شخصیت علمی با محور فقاقت و عدالت امام در مقام نیابت امام زمان (عج).  
۳،۱،۷. نفوذ امام در بین مردم، معلول نفوذ قدسی فرهنگ اسلامی - شیعی در میان مردم بود.

۴،۱،۷. عشق و علاقه مردم به امام از نوع عشق و علاقه فردی نبود، بلکه عشق و علاقه به آرمان‌های اسلامی و عقاید شیعی امام بود. در واقع انگیزش مردم در پیروی از روحانیون شیعه به ویژه مرجعیت را، نه در شخصیت خاص بلکه بایستی در جایگاه این قشر در ساختار فرهنگ و جامعه شیعی دانست.

۵،۱،۷. پیروی از امام، علاوه بر صفات شخصیتی (همچون ساده‌زیستی، جرئت، شهامت و قاطعیت) ایشان مربوط به جایگاه دینی و مرجعیت امام بود.<sup>۱</sup>  
شاخص‌ها و ویژگی‌هایی که برای امام خمینی (ره) مطرح شد نشان از این دارد که بکارگیری کاریزما در مورد امام خمینی (ره) دور از ذهن و غیر قابل تصور است. رهبری امام خمینی (ره) تنها در قالب سبک رهبری ولایی است که قابلیت تحقیق و پژوهش دارد و بکارگیری کاریزما در مورد امام خمینی (ره) و تطبیق آن در ویژگی‌های امام خمینی دور از عقلانیت است.

## نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین مباحث و رویکردها در نظام بین‌الملل رهبری و مدیریت جامعه است و در این باره سبک‌های رهبری مختلفی مورد استفاده و در تئوری مورد بررسی قرار گرفته است و هر سبک رهبری با توجه به جهان‌بینی و ایدئولوژی که در درون آن مطرح است به مدیریت و رهبری جامعه می‌پردازد؛ نظام لیبرال با نگاه صانع و مصنوعی که دارد رابطه خدا و نظام هستی و انسان را به صورت صانع و مصنوع می‌داند و دین را در حوزه شخصی زندگی استان و در حاشیه قرار می‌دهد و در نتیجه نگاه آن به مبانی هستی، نگاهی اومانیزم محور است و با توجه به این که سبک رهبری کمونیستی، مادی محور است و دین را افیون توده‌ها می‌داند، در نتیجه نوع سبک رهبری در آن نیز بر اساس مادی‌گرایی صرف تعریف شده است و در سبک رهبری کاریزماتیک نیز فردی که دارای خصوصیات و ویژگی‌های فوق‌العاده و فراتر از انسان‌های معمولی دارد در رأس قرار

۱. بهجت یزدخواستی و مهدی عزتی، همان، ص ۱۵۴.





می‌گیرد و پیروان در وضعیت مطیع قرار می‌گیرند. در حالی که در سبک رهبری ولایی که نگاهش نسبت به نظام آفرینش و انسان، نگاه خالق و مخلوق است و برای خداوند نقش مدیریتی در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی قائل است، دین در رأس امور قرار دارد و مسائل و حوزه‌های دیگر با توجه به دین است که معنا پیدا می‌کنند و از حالت سرگردانی به سمت معنا سیر می‌کنند. در سبک رهبری ولایی نیز، ایدئولوژی که باید‌ها و نبایدهای زندگی انسان است با توجه به جهان‌بینی توحیدی است که شکل می‌گیرد. در نتیجه سبک رهبری نیز که در جامعه برقرار می‌گردد سبک رهبری توحیدی خواهد بود. در پژوهش حاضر هدف نویسنده بر این بود به این سؤال اساسی پاسخ دهد که نقاط اختلاف بین سبک رهبری کارزماتیک و سبک رهبری ولایی چیست و آیا افرادی مثل امام خمینی (ره) را می‌توان در حکم کاریزما مورد تحلیل قرار داد یا سبک رهبری کارزماتیک قوه تحلیل‌مبانی امام را ندارد و از این ظرفیت خالی است؟ با تمرکز و تأملی که در منابع و مستندات شد و ویژگی‌هایی که برای سبک رهبری کارزماتیک و سبک رهبری ولایی مطرح شد و با توجه به نگاه‌های متفاوتی که نسبت به خدا، هستی و انسان وجود دارد به عبارتی با تفاوت زیربنایی که در این دو مقوله وجود دارد، اولاً این دو مقوله ممکن است در مواردی جزئی با هم نقاط اشتراکی داشته باشند ولی فاصله تفاوتی آنها گسترده‌تر است و به عبارتی دو مسیر و فرآیند کاملاً جدا هستند و ثانیاً بکارگیری کاریزما با توجه به تفاوت‌های مبنایی و گسترده‌ای که بین این دو مدل سبک رهبری وجود دارد دور از منطق و عقلانیت است. امام خمینی (ره) فقط قابلیت تعریف و بررسی در حوزه دین را دارد و تعریف امام در هر سبک رهبری به جز سبک رهبری الهی و اخلاقی محور به نظر می‌رسد که دور از منطق باشد و این امر به نوعی اجحاف در حق امام بزرگوار است.